

تفسیر سوره حجرات
استاد قرائتی
جلسه ششم آیات ۷ و ۸

آیه (۷ و ۸)

وَأَعْلَمُوا أَنَّنِي رَسُولُ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ
وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ

و بدانید که تنها در میان شما رسول خداست که اگر در بسیاری از امور پیرو شما باشد، قطعاً به سختی و مشقت خواهید افتاد، ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و در دلهایتان آن را زینت بخشیده است و کفر، فسق و گناه را مورد تنفر شما قرار داده است آنها همان رشد یافتگان هستند.

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

(این علاقه به ایمان و تنفر از کفر، از طرف خداوند فضل و نعمتی بزرگ است و خداوند آگاه و حکیم است.

نکته ها:

در آیات قبل خواندید که شخصی (ولید بن عقبه) به دروغ خبر مخالفت مردم قبیله ای را به پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم داد. مردم عصبانی و آماده هجوم شدند و توقع داشتند که پیامبر اسلام نیز آنان را حمایت کند. آیه نازل شد که اولاً هرگاه فاسقی خبری آورد تحقیق کنید و ثانیاً مردم باید تابع پیغمبر باشند، نه آنکه رهبر الهی تابع هیجان های ناپخته ای که برخاسته از گزارشات افراد فاسق است قرار گیرد.

در روایات می خوانیم: کلید شناخت خود را علاقه به مؤمنین بدانید؛ اگر اهل ایمان نزد شما محبوب بودند، در راه خیر هستید، اما اگر به گنهکاران علاقمند باشید، در شما خیری نیست (۱۱۳)

در روایات می خوانیم: مراد از ایمان در جمله (حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ) محبت علی ابن ابی طالب علیهما السلام است و مراد از کفر و فسوق و عصیان، افرادی هستند که در برابر اهل بیت علیهم السلام قیام کرده اند. (۱۱۴)

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که هر کس نعمت های الهی را تنها در خوراک و پوشاک و... بداند عملش کوتاه و عذابش نزدیک است.

در حدیث دیگری می خوانیم: کسانی که علاقه به معنویات و تنفر از گناه را نعمت نمی دانند، نعمت های الهی را کفران کرده، عملشان کم بوده و تلاشهای آنان نابود است (۱۱۵)

رشد، هدیه الهی است که به انبیا داده شده؛ (آئینا ابراهیم رُشدَه) (۱۱۶) و وظیفه

آنها رشد دادن انسان می باشد؛ (یا قوم اتبعون اهدکم سبیل الرشد) (۱۱۷) و خود آنان نیز بدنبال رشد بوده اند، چنانکه حضرت موسی در بیابان ها بدنبال حضرت خضر می رود تا به رشد برسد؛ (هل اتبعک علی اءن تُعلمن ممّا علّمتُ رُشداً) (۱۱۸) و ایمان زمینه رشد، (ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون) (۱۱۹) و کتب آسمانی و سبیل رشد انسان می باشند، (یهدی الی الرشد) (۱۲۰). به هر حال مراد از رشد در قرآن، رشد معنوی است، و این کوتاه فکری انسان است که رشد را تنها در کامیابی های دنیوی می داند.

در مدیریت و سیاست گذاری جامعه، اگر تصمیم گیرنده معصوم یا عادل نباشد، از استبداد سر در می آورد که در آن رشدی نیست، (و ما أمر فرعون برشید) (۱۲۱) ولی اگر تصمیم گیرنده معصوم یا عادل باشد، زمینه رشد فراهم است. (اولئک هم الرشدون)

پیام ها:

۱ اگر می خواهیم پشیمان نشویم باید به انبیا مراجعه کنیم (در آخر آیه قبل، سخن از ندامت و پشیمانی بود و در این آیه می فرماید: شما که پیامبر دارید به او مراجعه کنید تا از کارهای شتاب زده ندامت آور بیمه شوید) (نادمین و اعلموا انّ فیکم رسول الله)

۲ حضور پیامبر و رهبران الهی، امتیاز خاصی برای جامعه ها است «(فیکم رسول الله»، نه «رسول الله فیکم)»

۳ رهبر باید در دسترس مردم باشد و مردم نیز حضور آن حضرت را جدی بگیرند. (انّ فیکم رسول الله)

۴ توقع مشورت کردن پیغمبر با مردم مانعی ندارد، اما اطاعت پیامبر از مردم انتظاری نابجاست (لو یطیعکم لعنتم...)...

۵ مشکلات مردم به خاطر دوری از مکتب انبیا و عمل به سلیقه ها و هوسهای مختلف و شخصی است (لو یطیعکم لعنتم...)...

۶ رهبر باید استقلال رأی داشته باشد. (اگر امواج فتنه ها، سلیقه ها و خواسته ها، رأی او را سست کند، جامعه گرفتار مشکلات می شود) (لو یطیعکم لعنتم...) دشمن نیز برای ما همین نوع مشکلات را که برخاسته از سستی رأی رهبر است می خواهد، چنانکه در جای دیگر می خوانیم: (وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ ...) (۱۲۲)

۷ انعطاف در برخی موارد لازم است (فی کثیر من الامر)

۸ در مواردی که حکمی از طرف خدا و رسول نیست و جای مشورت است، پیروی از مردم و هم سلیقه شدن با آنها مانعی ندارد. (فی کثیر من الامر) (بنابراین مواردی یافت می شود که پیروی مشکل زا نیست)

۹ گرایش به مذهب، امری فطری است که خداوند در انسان به ودیعه گذاشته است (حَبَبَ الیکم الایمان ...) (در روایات می خوانیم: دوست داشتن حقّ و علاقه به اولیای خدا و مؤمنین، از الطاف ویژه خداوند است)

۱۰ محبت به ایمان هست، ولی جبر و تحمیل ایمان نیست (حَبَبَ الیکم الایمان) ..

۱۱ ایمان، زینت دلهاست، (و زینّه فی قلوبکم) همان گونه که کوه ها، دریاها، معادن، گل ها و آبشارها و همه آنچه روی زمین است،

زینت زمین است. (أَنَا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا) (آری، زینت انسان، کمالات معنوی اوست و جلوه های مادی، زینت زمین هستند)

۱۲ توکی و تبری باید در کنار هم باشد، اگر ایمان را دوست داریم باید از کفر، فسق و عصیان نیز بیزار باشیم (حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ كَرَّةَ الْيُكْمِ الْكَفْرَ)...

۱۳ انکار قلبی و انگیزه فاسد، مقدمه طغیان انسان است ابتدا فرمود: «الْكَفْرُ» و سپس «الْفُسُوقُ وَالْعَصِيَانُ»

۱۴ کفر، تغییر فطرت انسانی است (حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ كَرَّةَ الْيُكْمِ الْكَفْرَ) ...

۱۵ آفات ایمان، کفر، فسق و عصیان است (حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ كَرَّةَ الْيُكْمِ الْكَفْرَ) ...

۱۶ تنفر از بدی ها، فطری است (كَرَّةَ الْيُكْمِ الْكَفْرَ وَالْفُسُوقُ وَالْعَصِيَانُ ...) و این تنفر، مایه رشد انسان است (أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ)

۱۷ کسانی که از کفر، فسق و عصیان تنفری ندارند، رشد معنوی ندارند. (كَرَّةَ... أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ)

۱۸ نعمت تنها نعمت های مادی نیست، از نعمت های بزرگ الهی، دوست داشتن ایمان و بیزاری از کفر، فسق و عصیان است (حَبَّبَ... كَرَّةَ... فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ نِعْمَةً)

۱۹ گرایش قلبی به ایمان، لطف الهی است (حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ نِعْمَةً)

رابطه ایمان و علم

حساب ایمان از علم جداست، ایمان برتر و فراتر از علم است، زیرا ایمان از مقوله محبت است، چنانکه حساب ولایت از حساب رئیس، حاکم، شاه و سلطان جداست و همان گونه که حساب خمس و زکات از مالیات جداست.

توضیح آنکه انسان مؤمن به بسیاری از چیزها علم دارد، ولی به آنها عشق نمی ورزد. مثلاً به ارتفاع کوهها و عمق اقیانوس ها و تاریخ حکومت پادشاهان و هزاران مسئله دیگر علم دارد و یا به بسیاری از آمار و ارقام آگاه است، ولی به آنها عشق نمی ورزد، لکن آنجا که پای خدا، اعتقاد و ایمان در کار است، به آن عشق می ورزد و این عشق و ایمان هدیه الهی است که در درون انسان قرار داده شده است بنابراین کفار در حقیقت با کفر و لجاجت، فطرت خود را تغییر داده اند. (حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ)...

چنانکه در خمس و زکات، قداست، اعتماد، انتخاب و قرب به خداوند مطرح است که در مالیات نیست لذا مردم تمام دنیا مالیات می دهند، اما به گیرنده مالیات عشق نمی ورزند، اما مردم با ایمان به هنگام پرداخت خمس و زکات، به مرجع تقلید عشق می ورزند.